

رنج کنکور

مهری طبیبی‌تیا
پژوهشگر آموزشی

یادداشت:

■ پرده اول:

ساعت ۸/۳۰ دقیقه صبح بود، پشت تلفن پرسیدم، گفت هنوز روزنامه نیامده، ساعت نزدیک ۱۰ بود که دوستم خبر داد روزنامه آمده است. به سرعت چادرم را پوشیدم و طول کوچه حدوداً ۵۰۰ متری خانه تا سر خیابان را با سرعت طی کردم، با صورتی برافروخته سواراولین تاکسی شدم و خودم را به دکه رساندم، روزنامه را گرفتم و بدون حساب کردن پولش، ورق زدم، هرم گرم‌ا صورتم را می‌سوزاند، به اسم خودم که رسیدم شماره‌ها را خواندم و با عجله سراغ دفترچه کنکور رفتم، حالا باید این که چند رقمی را پیدا می‌کردم، کجا قبول شده‌ام؟ قلیم هنوز از جا کنده نشده بود که فهمیدم...

■ پرده دوم:

بیست و اندی سال بعد، یک روز مانده به کنکور دخترم، با دقت به دنبال کلماتی سنجیده و درست می‌گرم که بدون برهم زدن آرامشش فردا را برای او به جای یک دغدغه به روزی با شکوه تبدیل کنم.

اواسترس مرا می‌فهمد و فضایی برای استرس به خودش نداده‌ام، اگرچه فشار روانی اش را می‌فهمم اما شاید معنی روز سرنوشت‌ساز و لحظه حساس را من بیش از او می‌فهمم. آری مادرانی که لحظات نفسسگیر کنکور که امسال با ماسک وکرونا برای فرزندشان نفسگیرتر شده بود و آرام و متین در گوشه و کنار حوزه امتحانی زمزمه و مناجات می‌کردند و من که خاطرات دانشجویی‌ام را با قدم زدن در خیابان‌های اطراف مرور می‌کنم، معنی لحظه حساس را بیشتر می‌فهمیدم، مادران و پدرانی که استرس را کاملاً می‌شد در چهره آنها دید. مادری که به قول خودش برای اولین بار است با زیرانداز، آواره پیاده‌رو خیابان شده است. نمی‌داند بودن نبودنش اینجا چه تأثیری دارد ولی نمی‌تواند اینجا نباشد. او رنج روزهای درگیری خانواده با کرونا و کنکور را آهسته برای من که در فاصله دورتری از او ایستاده‌ام تعریف می‌کند و آرام برای رنج دخترش اشک می‌ریزد. مادر دیگری از هزینه‌هایی که خارج از توان خانواده برای فرزندش انجام داده می‌گوید و... وقتی صدای قرآن شروع آزمون، پخش می‌شود، مادرانی که از گوشه‌های چشمشان اشک جاری می‌شود کم نیستند و...

این رنج در درون روزهای قبل از کنکور نهفته است و امروز برای خانواده روز سرنوشت‌ساز شده است.

واقعیت همین است، حتی اگر باورش نکنیم، کنکور تنها اتفاقی است که تا این حد هیجان اجتماعی ایجاد می‌کند، هرچه انکارش کنیم، هنوز مهمترین مسیرورود به مرحله‌ای از زندگی فرزندانمان همراه با استقلال هویت است و همانقدر مهم و سرنوشت‌ساز.

اما آیا به اندازه شوری که برایش برپا کرده‌ایم به ساختار و عاملیتش به عنوان مسیری سرنوشت‌ساز بها داده‌ایم؟ پیامدهای خواسته و ناخواسته این همه شور و هیجان چیست؟ پایان این مسیر کجاست و جامعه در قبال این حجم از هراس و فشار اجتماعی چه مسئولیتی دارد؟

این سوآلی است که باید همه اهالی آموزش رسمی اعم از مدرسه، دانشگاه و جامعه به آن پاسخ دهند، نه بر اساس وظیفه معلمی و استادیشان که بر اساس فضیلت علمی، انسانی و اخلاقی باید به آن پاسخ بدهند، زیرا این امر مسئولیت سنگینی است که فرزندان این مردم شریف را به سرنوشت سازنده برساند.

باید ببیزیریم که غلط یا درست، امروز دغدغه و چالش نوجوان و جوان، پذیرفته شدن در یک دانشگاه مطلوب است. این دغدغه مختص سال قبل از کنکور نیست، بلکه به‌طور پنهان و ضمنی اگر به مقطع ابتدایی رسوخ نکرده باشد از ابتدای مقطع متوسطه آغاز می‌شود. این موضوع باعث تأثیر کنکور بر شرایط اقتصادی و روانی خانواده و فرزندان



شده است. هر چقدر با فلسفه موفقیت هم مشکل داشته باشیم، بازهم ناگزیر درگیر چنین رویدادی خواهیم بود. و واقع کنکور با توجه به ابعاد گسترده خود، پدیده‌ای اجتماعی است. پدیده‌ای به غایت گسترده که در زوایایی از زندگی و خانواده یک کنکوری پنهان مانده است.

ظاهراً در بخش آموزش و پرورش، همه راه‌ها به دروازه کنکور منتهی می‌شود. در مقطع متوسطه اغلب روش‌های تدریس متمرکز بر آموزش، تهی از آموزش خلاقانه و پرورش شده است. روش‌های پرورش خلاقیت، مهارت و درس زندگی به حالت تعلیق در آمده و احتمالاً در تصور آموزگاران به دانشگاه موکول شده است. حال تصور کنید که در سوی دیگر، افزایش داوطلبان ورود به دانشگاه هم منجر به تغییر ساختار دانشگاه و کاهش کیفیت مقطع کارشناسی در دانشگاه‌ها شده و اغلب به مقطع ارشد و سپس دکتری موکول شده است. می‌بینیم که این فرآیند همچنان در همه مقاطع تحصیلی به شکلی بازتولید شده و مسیر کیفی آموزش و پرورش و دانشگاه را متأثر کرده است.

در بخش سلامت عمومی هم که تحقیقات متعددی، تأثیر منفی کنکور بر داوطلبان و راه‌نیافتگان به دانشگاه را نشان می‌دهند. سطح بالایی از استرس و اضطراب در بین داوطلبان از یکسو و فشاری که به تبع آن خانواده و جامعه در هم درگیر خود کرده است. خانواده تا حد زیادی در سال‌های نزدیک به کنکور درگیر ماجراهای ناشی از فشارهای آموزشی است. نوعی از روابط و تعاملاتی که فرهنگ کنکوری را خلق و پرورش می‌دهد. فرهنگی آرام‌نی از رتبه شدن، علانیت محصور شده در کتاب‌ها، نظم از پیش تعیین شده و تستی، تبعیت از نظام اقتصادی کنکور، اخلاق کنکوری که گاهی رقابت ناسالم محور اصلی آن است و...

درباره تغییر نظام پذیرش داوطلبان و سیاست‌های آموزشی که صرفاً مختص کشور ما نیستند، همواره تلاش‌هایی انجام شده است. شاید بتوان گفت توسعه نظام‌های متعدد آموزشی طی سال‌های اخیر یکی از این اقدامات است. اما باید اذعان کرد که آنچه می‌تواند اجرای این سیاست‌ها را موجه کند، کیفیت یکسان آموزش دانشگاهی است. بر این اساس، فارغ از انتظار زیرو زرو شدن همه ساختار آموزش در یک تصمیم کارساز، باید انتظار واقع بینانه‌تری داشت و آن هم انتظاری از جنس مسئولیت و تعهد از سوی اهالی دانشگاه است.

دانشگاه در حالت حضور و عدم حضور فیزیکی دانشجو که امروز ناگزیر اتفاق افتاده باید بتواند همچنان نهادی اجتماعی باشد. مسأله اصلی، کنکور نیست، مسأله اصلی، دانشگاه به‌عنوان محصول کنکور است. دانشگاه آن سوی رنج فردی و اجتماعی در گستره جمعی است، حتی زمانی که تعداد داوطلبان آن کاهش پیدا کند.

از آنجا که بخش زیادی از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه ذیل مفهوم دانشگاه تعریف و بازتولید می‌شوند، شاید در چنین شرایطی، بهترین اقدام آموزشی و فرهنگی دانشگاه در قبال داوطلبان ورود به دانشگاه را بتوان خداحافظی دانشگاه با فرهنگ کنکوری بودن دانست. تغییر جدیدی در شیوه تفکر و زیستن در دانشگاه که فرهنگ اجتماعی را به سمت جامعه کنکوری یا همان فرمالیسم فرهنگی و اخلاقی کنکور هدایت نکند. باید توجه داشت که کنکور صرفاً یک آزمون یا نظامی برای گزینش دانشجو نیست، بلکه موجودیتی فرهنگی و اجتماعی است. لذا رتبه جویم به آن می‌تواند تمامیت زندگی جوانان را تحت تأثیر خود قرار دهد. بر این اساس دانشگاه مسئولیت اجتماعی و کلیدی در خلق شهروندان مسؤل دارد و می‌تواند از طریق یک نظام آموزشی و پرورشوی کارا و ایجاد زمینه‌های انتقال جوانان به مرحله دیگری از زندگی، آنها را قادر سازد که بتوانند در برابر چالش‌های پیش روی خود بهتر عمل کنند و ارزش‌های درونی شده‌ای را مبتنی بر خیر جمعی برای جامعه به ارمغان آورند.

مدارس غیر دولتی به‌عنوان فوق برنامه

می‌توانند کلاس کنکور برگزار کنند اما

وزارتخانه هیچ‌گاه بخشنامه‌ای به این

مدارس نداده است که با کدام مؤسسه

کنکور قرارداد ببندند. همچنین هم اکنون

برخی از این مدارس غیردولتی و مدارس

سمپاد کلاس‌های کنکور را غیر حضوری

انجام می‌دهند

خاص دولتی از جمله مدارس سمپاد در کلاس‌های آمادگی برای کنکور در کسوت مقدس معلم یا مشاور ظاهر می‌شوند و چه‌ها که برسر دانش‌آموز و خانواده‌ها نمی‌آورند. باید نهادی برای نظارت بر سلامت کالاهای آموزشی ارائه شده از سوی بخش خصوصی و افراد خاص، هرچه سریعتر شکل بگیرد. مشکل آموزش ما کسب درآمد این فرد و آن بنگاه نیست که برخی می‌خواهند دون دولتی و غیردولتی است که برای کنترل کیشوت وار با آن مبارزه کنند. در جامعه فعلی ما، کسب درآمد از راه علم و آموزش امری نهادینه است و در تجارت سقفی برای درآمد سالم وجود ندارد، مشکل تجارت ناسلم در عرصه آموزش دولتی و غیردولتی است که برای کنترل بخش غیردولتی آن هیچ نهاد ناظری وجود ندارد و مسئولیت نمی‌پذیرد.

■ قرارداد مدیر با آموزشگاه تخلف است

به اینکه برخی از کارشناسان آموزشی خبر از رابطه پنهان برخی از مدیران مدارس با آموزشگاه‌های کنکور می‌دهند و برخی دیگر می‌گویند که برخی از معلمان با انتشاراتی‌های خاص قرارداد می‌بندند و کتاب‌های کمک درسی را سر کلاس برای دانش‌آموزان تبلیغ می‌کنند اما زهرا مظفر، مدیر کل ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات وزارت آموزش و پرورش این موضوع را رد می‌کند و می‌گوید: این موضوع تخلف است و هیچ مدیری حق ندارد با مؤسسه کنکور یا انتشاراتی خاص قرارداد ببندد و در مصوبات شورای عالی آمده است که نباید این حضور و ورود مؤسسات به مدارس اتفاق بیفتد. حتی کتاب های کمک آموزشی غیرمجاز هم نباید وارد مدارس شوند و تنها کتاب های مجاز و معرفی شده از سوی سازمان پژوهش اجازه ورود به مدارس دارند و در غیر این صورت تخلف اتفاق افتاده است.

او تأکید می‌کند: مدارس غیر دولتی به‌عنوان فوق برنامه می‌توانند کلاس کنکور برگزار کنند اما وزارتخانه هیچ‌گاه بخشنامه‌ای به این مدارس نداده است که با کدام مؤسسه کنکور قرارداد ببندند. همچنین هم اکنون برخی از این مدارس غیردولتی و مدارس سمپاد کلاس‌های کنکور را غیر حضوری انجام می‌دهند.

می‌گیرد موضوعی که هامون سبیطی، کارشناس تعلیم و تربیت در این باره می‌گوید: متولیان مدرسه‌ها در جزیره‌ای جدا از جامعه اقتصاد زده ما زندگی نمی‌کنند؛ آنها هم حق دارند و ناچارند که پول به‌دست بیاورند تا با آن قادر به خرید کالاهای مورد نیاز زندگی مادی و معنوی خود باشند، سیل کلاش‌گی آنها را به این سو می‌غلطاند. به بیانی دیگر، مدرسه هم مانند بسیاری از نهادهای اجتماعی، مفهوم معنوی و ارزشی خود را از دست داده است و به یک مرکز اقتصادی تبدیل شده است و به ناچار متولیان آن هم باید اقتصادی عمل کنند. در این پدیده نافرخته هیچ گناهی به گردن آنان نیست. می‌بینیم که این روزها، میزان مناسب بودن شرایط فیزیکی مدارس ایران نسبت مستقیم دارد با میزان بهره‌مندی اقتصادی شاگردان آن مدرسه‌ها! یعنی شاگرد مدرسه در عمل نقش مشتری یک بنگاه اقتصادی را بازی می‌کند. اگر مشتریان وضعیت اقتصادی خوبی داشته باشند آن بنگاه هم سرو شکل آبرومندی دارد و استانداردهای حداقلی در آن رعایت می‌شود اما اگر مشتریان پولدار نباشند مدرسه نیز معمولاً حداقل‌ها را دارا نیست و مثلاً کلاس‌ها در ساختمانی رو به‌ویرانی تشکیل می‌شوند. این همبستگی میان سطح مالی شاگردان و وضعیت مدارس، آشکارا اثبات می‌کند که مدرسه‌های ما به بنگاه‌های تجاری تبدیل شده‌اند که برخی رونقی دارند و برخی در حال ورشکستگی‌اند. مدیر مدرسه دیگر مدیر مدرسه داستان جلال آل‌احمد نیست، دیگر یحیی دولت‌آبادی و محمد بهمن بیگی نمی‌توانند باشد. باید برای دفاع از حیات خود و بنگاه خود، وارد تجارت شود.

سبیطی تجارت را در این مدارس دوگونه می‌داند: تجارت سالم و تجارت سیاه و ناسالم. این جایی است که می‌شود متولیان مدارس را به پای میز پرسش کشید، اینکه در این داووستد آموزشی کالای سالم تجارت کرده‌ای یا خوراک فاسد به خورد دختر و پسر بی گناه ما داده‌ای؟ مشخصاً می‌شناسیم افرادی را که از حداقل صلاحیت علمی و حتی اخلاقی برخوردار نیستند اما در مدارس

فقط یک هدف دارند و آن این است که دانش‌آموز را در ۱۲ سال تحصیل برای یک مسابقه بزرگ به‌نام کنکور آماده کنند. با اینکه در سند تحول تأکید روی مهارت و پرورش دانش‌آموز است اما مدارس کمتر روی این موضوعات توجه می‌کنند. وقتی دانش‌آموز در یک رقابت تنگاتنگی قرار می‌گیرد و این فرصت هم محدود است خود این موضوع موجب ایجاد رقابت بین مدارس می‌شود و برخی مواقع هم شاهد هستیم بنگاه‌ها و مؤسسات آزاد از این مشکلات استفاده می‌کنند

او به تبلیغات برخی از مدارس اشاره می‌کند و می‌گوید: متأسفانه در این سال‌ها مدیران مدارس مهم‌ترین توفیق شان این شده برنی از اسامی دانش‌آموزان‌شان که در کنکور رتبه کسب کرده‌اند برزند البته موفقیت اصلی مدارس هم در موفقیت دانش‌آموزان در کنکور خلاصه شده است. مدیران مدارس برزند و هم مدیران مدارس متوسط هم درگیر بازی کنکور شده‌اند این درحالی است که هدف آموزش و پرورش وسیع‌تر از کنکور است.

او البته به مشکلات مدیران مدارس اشاره می‌کند و می‌گوید: یک مدیر وقتی به این نتیجه می‌رسد که نمی‌تواند ابتدایی‌ترین مخارج مدرسه را تأمین کند وقتی سرانه مدرسه پرداخت نمی‌شود با بسیار ناچیز پرداخت می‌شود مجبور می‌شود که با آموزشگاه قرارداد ببندد.

هزینه مدرسه بسیار زیاد است و مدیر مدرسه ابتدایی‌ترین مخارج مدرسه را نمی‌تواند تأمین کند درنتیجه به این کار دست می‌زند. البته مدیران ما سه دسته هستند برخی از مدارس قدرتمند هستند و تمام انرژی خودشان را روی کنکور می‌گذارند برخی‌ها توان رقابت با این مدارس ندارند و روی این زمینه ورود نمی‌کنند و برخی از مدیران هم شبیه‌سازی مدارس برند را می‌کنند با برخی استادان ارتباط می‌گیرند و دو ماه بیکار آنها را به مدرسه می‌آورند.

افتخاری بحث عدالت آموزشی را به میان می‌آورد و تأکید می‌کند: یک نوع نظام طبقاتی در مدارس ما حاکم شده است و این نظام طبقاتی باعث شده که یک تعداد مدارس خاص برند بشوند و بقیه مدارس متأسفانه به‌سمت ضعیف شدن پیش بروند این روزها استقبال خیلی زیادی برای ورود به مدارس برند وجود دارد چرا که این مدرسه‌ها هذفگذاری هایشان برای کنکور است.

■ با پول می‌توانید هر کالایی بخرید

برخی از کارشناسان تعلیم و تربیت به موضوع کلاش‌دگی مفاهیم فرهنگی در جامعه اشاره می‌کنند. وقتی که با پول می‌شود، نویسندگی را کم و بیش خرید و فروش کرد و پسادگی می‌توان در بسیاری از دانشگاه‌های پولی، دکتر شد. پایان نامه که هیچ، حتی مقالات علمی نیز با پول یا ارتباط یا اجبار و... قابل دستیابی است. بنابراین مدرسه هم مفهوم کالا به خود



بازی کنکور

آموزشی

معلم‌های بنام برای خانواده حرف می‌زنند و رقم بالایی هم از خانواده‌ها می‌گیرد اما معمولاً اگر معلم رسمی آموزش و پرورش باشد هر جلسه ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان می‌گیرد. اما این را هم بگویم بستگی به نوع درسی است که معلم می‌دهد برخی درس‌ها مثل فیزیک تا جلسه‌ای ۵۰۰ هزار تومان هم می‌رسد. بعضی از معلم‌های رسمی آموزش و پرورش ماهی ۱۰ تا ۱۵ میلیون درآمد از کلاس کنکور دارند و همین میزان هم به مدرسه می‌رسد.

این معلم کنکور درباره قرارداد آموزشگاه‌ها با مدارس می‌گوید: برخی از آموزشگاه‌ها به مدرسه می‌گویند که دانش‌آموز به ما بدهید ما به شما پورسانت می‌دهیم مدرسی که وضعیت مالی خوبی ندارند خانواده‌ها را صدا

می‌زنند و می‌گویند که دختر شما باید در این درس‌ها تقویت شود و بهتر است به این آموزشگاه‌ها برود. این آموزشگاه‌ها به مدارس می‌گویند: **تمام موفقیت آموزشی مدیران در کنکور خلاصه شده است** بر اساس آمارهای اعلام شده در کنکور ۹۹ دانشگاه‌ها، ۶۷ درصد نفرات برتر کنکور در مدارس سمپاد، ۱۸ درصد در مدارس غیرانتفاعی و فقط ۵ درصد در مدارس دولتی درس خوانده‌اند. همین موضوع موجب شده که بسیاری از کارشناسان تعلیم و تربیت از نظام آموزشی طبقاتی در ایران بگویند. علاوه بر این آن‌طور که مسئولان آموزش و پرورش می‌گویند، مدارس غیر دولتی خاص در صدر جدول نتایج امتحانات نهایی قرار دارند. **حبیب افتخاری** تحلیلگر مسائل آموزشی در این باره می‌گوید: مدارس ما



فاطمه برات‌نژاد رسیده؛ دختری از قانان که عاشق دبیری است و می‌خواهد همین رشته را در دانشگاه بیرجند یا مشهد تحصیل کند. جالب اینجاست که فاطمه اصلاً کلاس کنکور نرفته و معتقد است این نوع کلاس‌ها تأثیری در موفقیت دانش‌آموزان ندارد مگر اینکه دانش‌آموز ضعف درسی داشته باشد و خودش تشخیص دهد که زمان کلاس‌های مدرسه برای یادگیری اش کفایت نمی‌کند. البته او این را هم گفت که چند تن از دوستانش به صورت تک درس در کلاس‌های کنکور ثبت‌نام کردند و تا حدودی هم نتیجه بخش بوده است.

او می‌گوید: سطح من در تمام

درس‌ها خوب و قابل قبول بود و همه دروس را در خانه خواندم و از معلم‌های مدرسه کمک گرفتم. شانس ما این بود که در مدرسه نمونه دولتی‌ای درس خواندیم که معلم‌های خوب شهرستان در آنجا حضور داشتند. البته در شهر ما تنها یک مؤسسه کنکور وجود داشت که معلم‌های خوب مدرسه‌ای که من در آن درس می‌خواندم آنجا تدریس می‌کردند، شاید برای همین بود که من به کلاس کنکور احتیاج پیدا نکردم. فاطمه از هفتم تیر سال گذشته درس خواندن برای کنکور را به صورت جدی شروع کرد و هر روز ۷ تا ۸ ساعت درس

می‌خواند. او هم به داشتن یک مشاور خوب در دوران کنکور اشاره می‌کند. به عقیده او مشاور باید باتجربه باشد و فاطمه این شانس را داشت که یک مشاور خوب از تهران و یک مشاور هم در شهر خودشان داشته باشد.

این دختر برتلاش به دانش‌آموزان دیگر توصیه می‌کند در راه موفقیت ناامید نشوند. به گفته او سختی‌ها می‌گذرد و لذت و شیرینی آن باقی می‌ماند. دانش‌آموزان باید هدف داشته باشند و آن را دنبال کنند. اگر بخواهند رتبه خوب و تکرر کمی بیاورند با همت و انگیزه حتماً به آن می‌رسند، فقط کافی است کمی تلاش کنند.

■ رای برگزیده شدن در کنکور به خودتان اعتماد کنید

سری به زایل بزینم و رتبه ۹ رشته ریاضی و فیزیک. **محمد مهدی حیدری** شب هم یکی از برگزیدگان کنکور ۹۹ است و مثل بچه‌های دیگری که با آنها صحبت کردیم در کلاس‌های رایج کنکور شرکت نکرده و تنها از کتاب‌های کمک درسی استفاده کرده است. درس خواندن برای محمد مهدی از بقیه بچه‌ها کمی سخت‌تر بود. با این حال این سختی‌ها نتوانست اراده او را برای تحصیل در رشته کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف کم کند و روزانه به صورت میانگین ۸ ساعت درس خوانده تا به اینجا برسد.